

هزینه در مالیه عمومی اسلامی

بخش پنجم (پایانی)

دکتر بیژن بیدآباد

اشاره

در بخش‌های قبلی، ضمن مروری بر اصول هزینه در بودجه دولت اسلام و تشکیلات مالیه، در مورد عدم‌جواز برخورداری مدیر از ابزار اداری برای نفع شخصی، عدم‌جواز هزینه‌های دستمزد برای انذار و ارشاد و هدایت و تبلیغ، عدم‌جواز تخصیص هزینه به سادات، منحصربودن هزینه دولت به واجبات، ممنوعیت صرف هزینه در معاملات حرام، محدودیت هزینه‌های انتخابات، لزوم توافق عمومی برای تامین مالی هزینه کالاهای عمومی و سرانجام، محدودیت سیاست‌های تنظیم بازار به بحث پرداختیم. و اینک توجه شما را به ادامه بحث درباره قواعد هزینه در مالیه عمومی اسلامی جلب می‌کنیم.

بانک و اقتصاد

محدودیت هزینه‌های قاضی و والی و بازرسی

یکی از موارد هزینه‌های حکومت اسلامی، تامین هزینه‌های قوه قضاییه است. قاضی در اسلام فقط باید توسط نبی(ص) یا وصی نبی(ص) نصب شود و اختیار این انتصاب از عهده دیگران خارج است. حضرت امیرالمومنین علی(ع) خطاب به شریح قاضی می‌فرماید: «در این جایگاهی که نشستهای، نبی یا وصی و یا شقی می‌نشینند.»^(۱۳۷) برخی بر این عقیده‌اند که چون قاضی را خلیفه الهی نصب^(۱۳۸) می‌فرماید، پس هزینه‌های وی نیز به عهده حضرتش خواهد بود، ولی برخی این عقیده را قبول ندارند و می‌گویند مقام قاضی به دلیل اعتلای وی در حصول احراز شرایط عدالت، ایجاب می‌کند که خود مزدی از بابت کار نگیرد، زیرا پیامبر(ص) و جانشینان برحقش (علیهم‌السلام) نیز مزدی از بابت خدماتشان دریافت

نمی‌فرمودند. وظیفه قضاوت پیامبر اکرم(ص) از این آیه روشن است که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول و صاحبان اجازه از میان خودتان را و چون در چیزی به نزاع رسیدید، پس به خدا و رسول مراجعه کنید اگر ایمان به خدا و روز آخر دارید. این خوب است و بهترین معنی را دارد»^(۱۳۹). از طرف دیگر، در آیات متعددی که ذکر آن رفت، رسول اکرم(ص) می‌فرماید: من از شما اجری در خواست و دریافت نمی‌کنم و اجر من نزد خداست. و این رویه برای تمام پیوندگان راه آن حضرت سرمشق است.

به‌هرحال، به دلیل مسامحه در ادله سنن، هر دو نظریه در شرایط مختلف می‌توانند محل استناد باشند. برخی نصب قاضی توسط سلطان را جایز شمرده‌اند و در این حال دستمزد وی را رشوه نامیده‌اند^(۱۴۰). برخی نیز استدلال نموده‌اند که قاضی از بابت فن قضا مستوجب دریافت دستمزد است و نه به خاطر شغل قضاوت^(۱۴۱). و همچنین استدلال کرده‌اند که کربیه است که رزق قاضی برعهده کسانی باشد که قاضی برای آنها قضاوت می‌کند. پس ناچاریم که رزق را از بیت‌المال محسوب داریم^(۱۴۲). و همچنین عنوان می‌نمایند که قاضی باید برای ارتزاقش شغل دیگری داشته باشد و فقط محض اطاعت امر ولی خدا، به قضاوت بپردازد.

همینطور است در مورد والی. نصب مالک اشتر توسط علی(ع) خود نشاندهنده آن است که باید والی توسط نبی یا وصی نبی(علیه‌السلام) نصب گردد. در

فرمان حضرتش به مالک فرموده است: «ای مالک) تو چون درباریان خود را سیر نگهداری، گرسنگان از تطاول آنان محفوظ مانند. گذشته بر این، کارمندی که از خزانه کشور حقوق کافی دریافت می‌دارد، همین که به مقتضای رذالت، خیانت کند، در محضر دادگاه معذور نخواهد بود و از چهار طرف، راه بهانه به روی او مسدود خواهد شد، ولی حاکم بی‌چیز، اگر از بیت‌المال غضب کند، ممکن است پریشانی خویش را شفیع گناه خود قرار دهد»^(۱۴۳).

همینطور است در مورد نصب بازرسی. حضرتش در فرمان مالک می‌فرماید: «ای مالک، هرگز از جریان امور کشور و طرز سلوک حکام با رعیت لحظه‌ای غافل مباش. به جزئیات امور شخصاً رسیدگی کن و گزارش‌های کشور را تا آخرین کلمه با کمال دقت بشنو. مقتضی است به منظور انجام این مسوولیت بزرگ، گروهی از بازرسان مخفی را بر عمل خویش بگماری تا پنهانی تو را از چگونگی مملکت (حکومت) مستحضر دارند. بازرسان باید رفتار حاکم را در حوزه‌مأموریت او با منتهای دقت مراقبت کنند و کوچکترین خلاف را بی‌درنگ به مرکز حکومت مصر گزارش دهند. این عمل چنان فرمانداران تو را در ایفای تکلیف محتاط و دقیق خواهد کرد که از بیم بازرسان پنهان، در غیاب و حضور بر هیچ حرکت مخالف اقدام ننمایند و به رعیت ظلم نکنند و در رسیدگی به مظالم و شکایت خونسردی و تعلل رواندارند. در آن موقع که بازرسان بر خیانت حاکمی شهادت دادند، اجازه داری که آن دونه فطرت پست را در

به رهبری رسول (ص) یا قائم آل او (عج) صورت گیرد. به علت وجوب دفاع و حفظ امنیت، هزینه نمودن برای دفاع نیز به تبع واجب خواهد بود. در سوره انفال می‌فرماید: «و در برابر آنها تا می‌توانید، نیرو و اسبان جنگی فراهم نمایید تا دشمنان خدا و دشمنان خود و جز آنها را که نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد، بترسانید و آنچه را که در راه خدا هزینه می‌کنید، به تمامی به شما بازگردانده شود و به شما ستم نشود» (۱۴۹). وجوب هزینه‌های جنگ و روش تامین مالی آن و بازپرداخت هزینه‌های مربوط در این آیه مشخص شده است. خطاب آیه به مسلمانان و مومنان است که موظفند رسول (ص) یا قائم آل محمد (عج) را از لحاظ تامین افزای جنگ و هزینه‌های آن یاری نمایند، یعنی مسلمانان و مومنان موظفند که رسول خدا یا خلیفه خدا بر روی زمین را در جهت حصول اهداف جنگی او یاری نمایند. و منابع مالی آن را تامین کنند. آیات متعددی که در ارتباط با جهاد یا جهد به اموال و انفس است، در این معنی می‌گنجد که یک وجه معنی جاهدوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عبارت از شرکت در جنگ با صرف اموال و ابدان است. پس از اتمام جنگ، هزینه‌های انجام‌شده - براساس آیه فوق - به رزمندگان بایست بازگردد و در توزیع و بازپس‌دادن آن نظر رسول یا قائم آل محمد (عج) تعیین‌کننده و قطعی خواهد بود. می‌فرماید: «و ما أفاءَ اللهُ على رَسولِهِ مِنْهُمُ فَمَا أُوجِفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَ لَا رِكَابٍ وَ لَكِنَّ اللهَ يُسَلِّطُ رَسولَهُ على مَنْ يَشَاءُ وَ اللهُ على كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ما أفاءَ اللهُ على رَسولِهِ مِنْ أَهْلِ القُرَى فَللهِ وَ لِلرَّسولِ وَ لِذِي القُرْبى وَ الْبَيْتَامى وَ الْمَساكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كى لا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنىاءِ مِنْكُمْ وَ ما آتاكمُ الرِّسولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهىكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللهَ إِنَّ اللهَ شَدِيدُ العِقابِ. لِفُقراءِ الْمُهاجرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ ديارِهِمْ وَ أَمْوالِهِمْ يَتَّبِعُونَ فَضلاً مِنَ اللهِ وَ رِضواناً وَ يَنْصُرُونَ اللهَ وَ رَسولَهُ أُولئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (۱۵۰). این نحوه تامین مالی جنگ از لحاظ سیاست‌های مالی دارای ویژگی خاصی است. اصولاً در سیاست مالی اسلام، دولت در زمان لازم با افزایش بودجه، فعالیت‌های خود را زیاد می‌کند و هروقت به هدف خود رسید، مجدداً از طریق توزیع ثروت و دارایی خود، بدنه دولت را به حداقل می‌رساند.

رانت‌ها از لحاظ عملکرد اقتصادی، منجر به تخصیص نابهینه منابع می‌شوند.

اینگونه هزینه‌های استخبارات در اسلام تایید می‌شود، ولی بیشتر از استخبار به سبک و سیاق فعالیت ضابطین امنیتی متداول امروزی، جواری مشاهده نشده است.

در زمان حاضر، سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی عملاً اقدام به فعالیت‌های مختلف جاسوسی در جهت کسب منافع ملی با ازبین‌بردن منافع سایر ملل، انجام عملیات شبه‌نظامی و بسیاری عملیات تجسس و نفوذی و تزامی و غیره در جهت کسب منافع هیات حاکمه می‌نمایند که در اسلام مشروع نیست و تاییدی دال بر مشروعیت این اعمال دیده نشده است (۱۴۶).

تجسس در امور خصوصی افراد در اسلام حرام است، ولی درعوض پنج نوع تجسس مقرر شده است:

۱- تجسس در اعمال و فعالیت ماموران و شاغلان بخش دولتی جهت جلوگیری از تخلف آنها.

۲- تجسس مرزی در ورود کالای مضر به حال جامعه یا ورود دشمن.

۳- تجسس در فعالیت‌ها و نقل‌وانتقالات و تحرکات بیگانگان - اعم از دشمنان یا غیره - برای ایجاد شرایط امن و حفظ جان تابعین از تعرض دیگران.

۴- تجسس برای کشف جرم و تنبیه مجرم و بازگرداندن حق به صاحبان آنها.

۵- تجسس در اعمال و فعالیت متجسسان (که امروز حفاظت اطلاعات نامیده می‌شود).

توضیحات مختلفی (۱۴۷) درباره موارد فوق می‌توان ارائه کرد که از ذکر بیشتر آنها خودداری می‌نمایم (۱۴۸). فقط باید اشاره داشت بر این که عملیات استخباری فقط نقل اطلاعات است و نه اقدام فیزیکی، مشابه عملیات امنیتی متداول فعلی که منجر به خودکامی ماموران امنیتی و تجاوز آنها به حقوق افراد و اقوام و ملل می‌شود.

وضع هزینه‌های جهاد و دفاع بر مردم

هزینه‌های جنگ، از جمله موارد پراهمیت هزینه‌ای است که ویژگی‌های خاص خود را در اسلام دارد. جنگ‌ها از لحاظ اسلام جنبه‌های دفاعی دارند، مگر جنگ‌های نبی (ص) یا قائم آل محمد (ص) که می‌تواند جنبه جهاد و گسترش اسلام را داشته باشد. مکرر به این موضوع اشاره شده که نزاع بین کشورهایی که ساکنان یا حاکمان آنها مسلمان هستند، در زمره این مبحث قرار نمی‌گیرد، بلکه صحبت از جنگ‌هایی است که توسط حکومت اسلام

حال مذلت و خجلت به سوی خود فراخوانی و آنچه را که از دیگران ربوده، تا آخرین دینار از او بازگیری و بدان شکنجه و عذاب که قرآن دستور داده، کیفرش دهی و او را برای همیشه از خدمات دولتی محروم سازی و داغ ننگین خیانت را آنچنان بر پیشانی‌ش بگذاری که تا قیامت به هیچ وسیله سترده نشود و آن اندازه در فضیحت و رسواییش اصرار نمایی که تا جهان باقی است، سرافکنده و شرمسار بماند، تا همه او را بشناسند و از سرگذشت او درس عبرت خوانند و درنتیجه، از حدود حق و حقیقت منحرف نشوند (۱۴۴).»

اصولاً در سیاست مالی اسلام، دولت در زمان لازم با افزایش بودجه، فعالیت‌های خود را زیاد می‌کند و هروقت که به هدف خود رسید، مجدداً از طریق توزیع ثروت و دارایی خود، بدنه دولت را به حداقل می‌رساند.

محدودیت هزینه‌های تجسس و استخبارات

در قرآن کریم تجسس عیوب نهی شده و اطلاعات کسب‌شده براساس تجسس را از انواع ظن می‌داند و نه یقین، زیرا ممکن است نیمه‌ای از یک واقعیه برای متجسس کشف شود و او را به تهمت اندازد. برای مثال، متجسس ممکن است کشف کند که دو نفر مرتکب زنا می‌شوند، در صورتی که از نیمه اول که ازدواج آن دو بوده، خبر نداشته است. در این باب قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گمان درباره دیگران بپرهیزید. به درستی که برخی ظن و گمان‌ها معصیت است و بعضی از شما بدی برخی دیگر را در غیبتشان ذکر نکنند. آیا شما دوست می‌دارید گوشت برادر مرده خود را بخورید؟ البته کراهت و نفرت از آن دارید. از خدا بترسید و همان خداوند همواره توبه‌پذیر و مهربان است» (۱۴۵). لذا اصولاً تجسس در اسلام پسندیده نیست.

استخبار و خفیه‌نویسی که در فرمان به مالک اشتر ملاحظه شد، متفاوت از شیوه‌هایی است که سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی متعارف معاصر به کار می‌بندند. وظیفه خفیه‌نویسی، نظارت نامحسوس بر عملکرد قوه مجریه و قضاییه است و هدف آن کنترل و نظارت بر نحوه عملکرد مأموران دولت می‌باشد، اگرچه گزارش نارضایتی مردم نیز از وظیفه این گروه است.

خرید اموال عمومی براساس قیمت‌گذاری بازار

دولت‌ها همواره در انجام فعالیت‌های خود ملزم به خرید بسیاری از کالاها و خدمات و قطعات زمین و مانند آنها می‌باشند. در این ارتباط، وظیفه دولت اسلام خرید ملزومات خود به قیمت بازار است. طبق آیه شریفه وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ (۱۵۶) امر بر این است که کسی محق نیست تا چیزی از اموال مردم را به قیمت پایین‌تر از قیمت بازار خرید کند. البته در این بحث دو وجه است: یکی وجه خرید و فروش که الزام و اجباری در آن نیست، لذا قیمت براساس توافق تعیین می‌شود و این وجه قیمت معامله‌شده قیمت جدید برای بازار است، و وجه دوم خرید و فروش است که الزام و اجبار در مصالحه در آن وجود دارد. برای مثال، کارگری اجیرشده و کارفرما در پایان روز بایست مزد پرداخت کند. اینجا کارفرما حق پیشنهاد قیمت جدید ندارد، بلکه باید قیمت همان روز صبح در بازار را به وی بپردازد (و نه حتی قیمت اجرت عصر آن روز در بازار). در خرید اموال و اشیا و کالاها و خدمات برای دولت نیز همین موضوع مشهود است، زیرا نوعی الزام و اجبار در انجام معامله با دولت وجود دارد که در صورتی که فروشنده سرباززند، دولت از حاکمیت خود برای خرید مال استفاده می‌کند. لذا براساس آیه فوق باید قیمت متعارف بازار را به فروشنده بپردازد و حق ندارد از ارزش شیئی بکاهد.

وظیفه دولت در قضای دیات و خسارات و دیون مجهول‌المدعی علیه

دیات مجهول‌المدعی علیه، دیه‌هایی می‌باشند که پرداخت دیه در مورد جنایت یا خسارت ایجادشده قابل‌تحمیل بر فرد یا افراد معلوم یا حی یا اموال یا ماترک جانی یا خاسر نیست و در این حال، باید دولت اسلام آنها را بپردازد. در فقه اسلام، مبحثی است که طبق آن به طور کلی خون مسلم را نباید باطل کرد. برای مثال، در این مبحث ذکر می‌شود که اگر مسلمانی به قتل رسید و جانی به دلیلی قبل از محاکمه مجنون شد (۱۵۷)، و یا مالی نداشت، دیه‌اش باید توسط دولت اسلام پرداخت شود. مثال دیگر این که اگر فردی اقرار به قتل نماید و سپس دومی هم اقرار به همان قتل کند

تبعیضی که باعث برخورداری گروهی از امتیازات ویژه یا رانت نسبت به گروه‌های دیگر شود، مصداق اقطاع را خواهد داشت که دولت اسلام مجاز به آن نیست.

اختیارات ناشی از حاکمیت نیز همگی مانند اموال بیت‌المال از لحاظ اقتصادی مالیات دارند، لذا همانطور که حضرت امیر(ع) می‌فرماید: المال حساب (۱۵۲)، یعنی مال داشتن حساب پس‌دادن است، مشمول محاسبه است و مشمول نظارت بر حلال و حرام در حساب است و حضرتش می‌فرماید: در حلال آن حساب است و در حرام آن عقاب (۱۵۳). حضرتش در اولین روز پس از جلوس بر سمت حکومت ظاهری در اولین فرمایشات خود می‌فرماید: آنچه از بیت‌المال به صورت امتیاز برده‌اید، حتی اگر مهریه زنانان کرده باشید، به بیت‌المال بازمی‌گردانم (۱۵۴). این

این سیاست‌گذاری از لحاظ سیاست‌های رشد اقتصادی بیشترین اثر را در اقتصاد می‌گذارد، زیرا بدنه دولتی که همواره ناکارا و کم‌بازده است، در حداقل خود می‌باشد و این موضوع در اقتصاد نظری و عملی به اثبات رسیده است و هرگاه دارایی‌های دولت در دست افراد درگرددش باشد، بیشترین بازدهی را در شرایط رقابت‌کامل فعالان بخش خصوصی ایجاد خواهند نمود.

ممنوعیت اعطای امتیاز و رانت

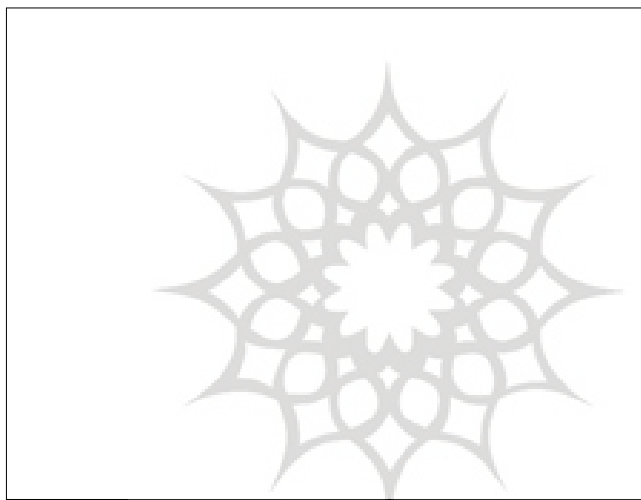
همواره در حکومت‌های مختلف، به ویژه در حکومت‌هایی که بر مبنای شایسته‌سالاری مستقر نشده‌اند و رشد نیافته‌اند، صاحبان مقام‌ها و مناصب با استفاده از اختیارات خود، امتیازات خاصی را به افراد موردنظر و علاقه خود اعطا می‌نمایند که در

اصطلاحات اقتصادی امروزه از آن به عنوان رانت نام برده می‌شود. رانت پدیده جدیدی نیست و در هر زمانی به انحای مختلف دیده شده و می‌شود. در صدر اسلام به زمین‌ها و املاکی که از باب امتیاز، حکام به افراد خاصی می‌دادند تا با آبادکردن آن از بهره آن استفاده کنند، قطاع می‌گفتند. این موضوع در اسلام نیز همانند سایر سیستم‌های مالی مضر و نامطلوب شناخته شده است. از حضرت جعفر صادق(ع) منقول است که وقتی قائم ما قیام کند، قطاع را مضمحل می‌کند و دیگر اقطاعی نخواهد بود (۱۵۱).

رانت‌ها از لحاظ عملکرد اقتصادی منجر به تخصیص نابهینه منابع

می‌شوند، به طوری که در اثر رانت عده‌ای موفق می‌شوند که بهای تمام‌شده کالاها را تولیدی خود را کاهش دهند و این موضوع منجر به این می‌شود که بسیاری از تولیدکنندگان که با حفظ شرایط قانونی فعال هستند، نتوانند در بازار دوام بیاورند و ناچار به ورشکستگی می‌گیرند.

قطاع در اقتصادهای فعلی از طیف متنوعی برخوردارند. برای مثال، اعطای اجازه ورود کالا به افراد یا گروه‌های خاص، اعمال تبعیضات اقتصادی برای افراد یا گروه‌های خاص، اعطای تسهیلات و امتیازات متنوع به بخش‌ها یا نهادهای وابسته به دولت، تخصیص منابع پولی یا ارزی با امتیازات ویژه به افراد یا نهادهای موردنظر دولت و به‌طورکلی، هرگونه



② هزینه‌های جنگ، از جمله موارد پراهمیت هزینه‌ای است که ویژگی‌های خاص خود را در اسلام دارد.

ابی‌الحدید نقل می‌کند که حضرت علی(ع) در همان روزهای اول دستور داد حتی شمشیر و زره عثمان که متعلق به بیت‌المال بود، بازگردانده شود (۱۵۵). و در ماجرای امانت‌گرفتن ام‌کلثوم، دختر آن حضرت زینتی را از بیت‌المال، حضرتش خزانه‌دار را توبیخ می‌فرماید. تمام این موارد دلالت بر عدم‌جواز به اعطای رانت و امتیازات به افراد خاص و وابسته به حکومت و حکام دارد.

رانت، یعنی امتیاز خاصی که از سوی حکومت‌ها و صاحبان مقام‌ها و مناصب دولتی، به افراد ویژه اعطا می‌شود.

و اولی نکول نماید، دیه مقتول برعهده بیت‌المال است (۱۵۸). دیه عبد ناشی از اجرای حد توسط دولت اسلام به آفایش نیز باید از منابع دولت تامین و پرداخت شود (۱۵۹). دیه مرگ در زحام (۱۶۰) و دیه قتلی که قاتل نامعلوم است (۱۶۱) و دیه قتل خطایی به شرط نداشتن عاقله (۱۶۲) و قتل در اثر اجرای حد من غیر حدود الله (۱۶۳) نیز برعهده بیت‌المال است. این موارد در صدر اسلام توسعه خاص زمانی مبتنی بر شرایط آن موقع نیز داشته است. مثلاً اگر زن مردی از مهاجران یا انصار از مدینه به مکه فرار می‌کرد، مرد مخیر بود که زن دیگری بگیرد و مهریه او را نیز بیت‌المال متقبل می‌شد. تامین مخارج کفن و دفن مسلمانان (۱۶۴) و نفقه زنی که شوهرش غایب مفقودالتر است، برعهده بیت‌المال است (۱۶۵).

موارد متعددی از این قبیل در این بخش می‌گنجد که از تفصیل آن خودداری می‌کنیم، ولی فقط باید اشاره کرد که وظیفه دولت در این بخش این است که ولایت خود را در تامین حق مردم به‌کار اندازد و اجازه ندهد حق ملت ضایع شود.

انضباط مالی خزانه

علاوه بر کلیه مقررات بودجه‌ای و نظارتی که بر کلیه اموال و دارایی‌های بیت‌المال - اعم از دارایی‌های محسوس یا غیرمحسوس (۱۶۶) مجری است، حق تقسیم، برداشت، نقل و انتقال و کلیه پرداخت‌های هزینه‌ای - اعم از جاری، عمرانی و انتقالی بیت‌المال - با ولی خدا (ع) است. این حق تا آنجا پیش می‌رود که نظر حضرتش در این باب در همه زمینه‌ها قطعیت دارد و غیرقابل اعتراض است. گرچه اختیار آن حضرت نه از باب استفاده خصوصی از بیت‌المال است که این جیفه مردار قدر و منزلتی در درگاه او ندارد و خود این موضوع دلیلی است بر این‌که اختیار خزانه باید به دست آن بزرگواران باشد که طمعی برای بهره‌برداری از آن برای خود ندارند (۱۶۷). نمونه این موضوع در این است که شخص امیر مؤمنان به دلیل اشتغال به جنگ مجبور شد تا ۱۷ من جو از بیت‌المال به امانت برداشت کند که پس از رفع غسر مجدداً آن را به بیت‌المال بازگردانید. دو نوع برخورد با خیانت در بیت‌المال مطرح است: اگر فرد نیازمندی، از بیت‌المال سرقت کند، مجرم نیست، بلکه نصیب خود را برده است و مستوجب تنبیه نیست (۱۶۸)، ولی اگر مسوولان اجرایی در اموال بیت‌المال خیانت ورزند، مستوجب جزای بسیار شدید

خواهند بود که ذکر آن در فرمان به مالک اشتر رفت (۱۶۹).

زیر نویس‌ها

(۱۳۷) الکافی / جلد ۷۰ / صفحه ۴۰۶ / کتاب القضاء والأحكام، بَابُ أَنَّ الْحُكْمَةَ إِنَّمَا هِيَ لِلْإِمَامِ (ع)
 (۱۳۸) در جواهرالکلام (جلد ۴۰ / صفحه ۴۰) درباره اعزام قاضی از سوی امام (ع) به سرزمین‌هایی که به قاضی نیاز دارند، به مواردی تصریح شده است.
 (۱۳۹) سوره نسا / آیه ۵۹: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.
 (۱۴۰) وسائل‌الشیعة / جلد ۲۷ / صفحه ۲۲۱ / بَابُ تَحْرِيمِ الرِّشْوَةِ فِي الْحُكْمِ وَالرِّزْقِ مِنَ السُّلْطَانِ عَلَى الْقَضَاءِ: ۳۳۶۴۰

(۱۴۱) مستدرک الوسائل / ۱۳، ۶۹، ۵ / بَابُ تَحْرِيمِ أَجْرِ الْفَاجِرَةِ وَ بَيْعِ الْخُمْرِ وَ التَّبْيِيزِ وَ الْمُنْتَهَى وَ الرِّبَا وَ الرِّشَا وَ الْكَيْهَانَةِ وَ جُمْلَةَ مِمَّا يَحْرُمُ التَّكْسِبُ بِهِ. ۱۴۷۷۳-۱
 (۱۴۲) مستدرک الوسائل / ۱۷، ۳۵۳، ۸ / بَابُ تَحْرِيمِ الرِّشْوَةِ فِي الْحُكْمِ وَالرِّزْقِ مِنَ السُّلْطَانِ عَلَى الْقَضَاءِ. ۲۱۵۵۹-۲

(۱۴۳) فرمان حضرت علی به مالک اشتر / روابط عمومی و ارشاد وزارت امور اقتصادی و دارایی / ۱۳۷۱ / صفحات ۳۶-۳۷.
 (۱۴۴) فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر / صفحات ۳۸-۳۷.
 (۱۴۵) سوره حجرات / آیه ۱۲: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَنِبْ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ.

(۱۴۶) شرح و بسط این مبحث را می‌توان در کتاب بیدآباد، بیژن (۱۳۸۴) مبانی عرفانی روابط بین‌الملل در اسلام، حقوق بین‌الملل عمومی، سیاست خارجی و دیپلماسی در اسلام از دیدگاه حکمت ملاحظه نمود.
 (۱۴۷) نگاه کنید به کتاب: تجسس، اطلاعات و استخبارات / آیت‌الله حسینعلی منتظری / چاپ کمیته انقلاب اسلامی / همچنین فصل هفتم از کتاب مبانی حکومت اسلامی / نوشته جعفر سبحانی.

(۱۴۸) نگاه کنید به: ولایت‌نامه / حضرت حاج ملاسلطان محمد بیدختی گنابادی / سلطانعلیشاه / انتشارات حقیقت / ۱۳۸۰ / صفحات ۱۶۳-۱۵۴.
 (۱۴۹) سوره انفال / آیه ۶۰: وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَنَفَّقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تظَلَمُونَ.
 (۱۵۰) سوره حشر / آیات ۸-۶: آنچه خدا از آنها به پیامبر خود غنیمت داد، آن نبود که شما با اسب یا شتری بر آن تاخته بودید، بلکه خدا پیامبرانش را بر هر که بخواهد، مسلط می‌سازد و خدا بر هر چیزی قادر است. آن

غنیمتی که خدا از مردم قریه‌ها نصب پیامبرش کرده است، از آن خداست و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و مسافران در راه‌مانده، تا میان توانگرانشان دست به دست نشود. هرچه پیامبر به شما داد، بستانید و از هرچه شما را منع کرد، اجتناب کنید و از خدا بترسید که خدا سخت عقوبت است. نیز غنایم از آن مهاجران فقیری است که از سرزمینشان رانده شده‌اند و آنها در طلب فضل و خشنودی خدایند و خدا پیامبرش را یاری می‌کند. اینان راستگویند.

(۱۵۱) وسائل‌الشیعة / ۱۷، ۲۲۲، ۵۴ / باب جواز الترول علی أهل الذمة ۲۲۳۸۱ - همچنین: بحارالانوار / جلد ۵۲ / ۳۰۹.
 (۱۵۲) عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی / غررالاحکم و دررالکلم / مرکز البحت الاسلامی / جلد ۱ / صفحه ۲ / حدیث ۲۵۴.
 (۱۵۳) الکافی / ۲، ۴۵۹ / باب محاسبه‌العمل... / صفحات ۴۵۳، ۲۳.

(۱۵۴) مستدرک الوسائل / ۱۳، ۶۶، ۳ / باب أنه لا یحل ما یستری بالمکاسب، ۱۴۷۶۲-۲.
 (۱۵۵) ابن ابی‌الحدید / شرح نهج‌البلاغه / قاهره / دارالاحیاء العربیه / ۱۹۵۹ / جلد ۱ / صفحات ۲۷۰، ۱۵ - و من کلام له ع فیما رده علی...
 (۱۵۶) سوره شعرا / آیه ۱۸۳: از ارزش اموال مردم نکاهید.

(۱۵۷) الکافی / ۷، ۲۹۵ / باب الرجل یقتل فلم تصح الشهادة علیه.
 (۱۵۸) وسائل‌الشیعة / جلد ۲۹ / صفحات ۱۴۳، ۴ / بَابُ حُكْمِ مَالِوَ أَقْرَبِ إِنْسَانٍ یَقْتُلُ آخَرَ ثُمَّ أَقْرَبُ آخَرَ یَذِکُّ وَ بَرَأَ الْأَوَّلَ. ۳۵۳۴۴.
 (۱۵۹) الکافی / جلد ۷ / صفحه ۲۳۵ / بَابُ مَا یَجِبُ عَلَى الْمَمَالِکِ وَالْمَمَالِکِیْنَ مِنَ الْحَدِّ. ۱۰
 (۱۶۰) الکافی / ۷، ۳۵۵ / باب المقتول لا یدری من قتله: ۲.

(۱۶۱) الکافی / ۷، ۳۵۵ / باب المقتول لا یدری من قتله: ۳، و الکافی / ۷، ۳۶۲ / باب القسامه / صفحه ۳۶۰
 (۱۶۲) تهذیب‌الأحكام / ۱۰، ۱۷۲، ۱۲ / باب البینات علی‌القتل.
 (۱۶۳) الإیستبصار / ۴، ۲۷۹، ۱۶۴ / باب من قتله الحد / صفحه ۷۸.
 (۱۶۴) الخرائج والجرائح / ۲، ۵۶۲ / فصل فی أعلام أميرالمؤمنین(ع).

(۱۶۵) الوسيلة، ۳۲۴ / فصل فی بیان أقسام الطلاق... 166 Tangible and Intangible Assets.
 (۱۶۷) الجمال / ۱۶۴ / تناقض مواقف عائشة ص: ۱۶۱.
 (۱۶۸) الکافی / ۷، ۲۳۱ / باب ما لا یقطع فیه السارق.
 (۱۶۹) شرح نهج‌البلاغه / جلد ۱۶ / صفحات ۱۶۴، ۴۰.

توجه: فهرست منابع این مقاله در دفتر مجله موجود است.